

نشست علمی کارشناسی

مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی
(دانشگاه تهران)
انجمن ایرانی مطالعات منطقه‌ای
(کارگروه اوراسیای مرکزی)

۲۱ شهریور ۱۴۰۰

گزارش کامل



نشست علمی-کارشناسی

روسیه و ترکیه در جنگ ۲۰۲۰ قره باغ

وبینار با حضور



دکتر حامد کاظمزاده

پژوهشگر بنیاد علمی مطالعات صلح و مناقشه
دانشگاه اتاوا



دکتر بابک رضوانی

استاد دانشگاه آمستردام
و رییس انجمن مطالعات اتنوژئوپلیتیک،
آمستردام، هلند



گزارش کامل^۱

نشست علمی_کارشناسی «روسیه و ترکیه در جنگ ۲۰۲۰ قره‌باغ» در روز یکشنبه ۲۱ شهریور ۱۴۰۰ از سوی مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی دانشگاه تهران با همکاری انجمن علمی ایرانی مطالعات منطقه‌ای (کارگروه اوراسیای مرکزی) به صورت وینار برگزار شد. در این نشست دکتر بابک رضوانی استاد دانشگاه آمستردام و رییس انجمن مطالعات اتنوژئوپلیتیک دانشگاه آمستردام هلند و دکتر حامد کاظم‌زاده پژوهشگر بنیاد علمی مطالعات صلح و مناقشه دانشگاه اتاوا کانادا به طرح دیدگاه‌های خود پرداختند. مدیر این نشست دکتر الهه کولایی بودند.

در ابتدای این نشست که صد و چهارمین نشست علمی_کارشناسی مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی بود، دکتر کولایی با اشاره به دو بازیگر مهم و فعال در قفقاز جنوبی یعنی ترکیه و روسیه، که رویکردها و جهت‌گیری‌های تعیین‌کننده‌ای نیز دارند به کم‌کنشی و سیاست غیرفعال ایران در این منطقه پرداختند. سپس از آقای دکتر رضوانی دعوت کردند که به طرح دیدگاه‌های خود بپردازند.

آقای دکتر رضوانی در آغاز گفتند: زمانی که درباره رفتارشناسی روسیه به اتاق‌های فکر غربی مراجعه می‌کنیم، روسیه به عنوان بازیگری منطقی به تصویر کشیده می‌شود که سیاستی بسیار واقع‌گرایانه و خشن دارد. این تصویر تا حدودی درست و تا حدودی نادرست است. روسیه خود را وارث اتحاد شوروی می‌بیند و کشورهای پیرامونی خود را حوزه ژئوپلیتیکی خود می‌داند. اگر کشورهای غربی برای نمونه به اوکراین نزدیک شوند روسیه این اتفاق را یک خشونت علیه خود می‌بیند. پس روسیه از موضع دفاعی به بسیاری از تحولات نگاه می‌کند. کاری که

^۱ این گزارش از نوار صوتی سخنرانان در نشست « روسیه و ترکیه در جنگ ۲۰۲۰ قره‌باغ » تهیه شده است.

بازیگر منطقی انجام می‌دهد بر اساس منافع خود است اما واقعیت این است که روسیه به طور طبیعی عملکردی واکنشی نسبت به تحولات این حوزه دارد.

روسیه به طور معمول مناقشه‌های این منطقه را ناتمام و ناقص نگاه می‌دارد. برای نمونه چچن که جزئی از خاک روسیه است را بررسی می‌کنیم. در دهه نود از تجزیه طلبان چچن تصویری بسیار منفی ساخته شده بود، اما بعدها با عده‌ای از مجاهدین چچن وارد تعامل شدند. به این ترتیب مسکو برنده تحولات سیاسی چچن شد. گروه‌های مجاهد همچون گذشته در قفقاز فعالیت داشتند. بعدها زمانی که روسیه وارد جنگ سوریه شد این نیروها را در سوریه از بین برد. این یعنی روسیه آنچه را امارت قفقاز خوانده می‌شد، با یک تاخیر از میان برد. در گرجستان، اگرچه تفلیس در پی عضو شدن در ناتو بود، اما دولت‌هایی که یکپارچگی سرزمینی نداشتند، نمی‌توانستند عضو ناتو باشند. در این میان، روسیه به شهروندان دو استان گرجستان تابعیت و ملیت روسیه داده بود. زمانی که دولت ساکاشویلی با تجزیه طلبان گرجستان درگیر شد، روسیه به بهانه حفاظت از جان شهروندان خود نیروهایش را به سوی قفقاز جنوبی آورد. سرانجام جنگ آغاز شد. روسیه ادعا کرد که گرجستان با حمله به اوستیای جنوبی و مرزبانان روسی به روسیه اعلان جنگ داده است. روسیه تا ۱۵ کیلومتری تفلیس آمده بود و می‌توانست دولت همسو با خود را سر کار آورد اما این مساله را نیز نیمه تمام گذاشت و مساله هنوز پایان یافته تلقی نمی‌شود.

در اوکراین صحنه انتخابات همواره مبارزه بین شرق و غرب اوکراین بود. غرب اوکراین کاتولیک هستند و تمایل به اروپا دارند، اما مردم شرق و جنوب اوکراین زبان اوکراینی و روسی داشته و مسیحی ارتدوکس هستند. صنایع اوکراین نیز در شرق هستند. بیشتر مردم اوکراین گرایش به

روسیه داشتند اما زمانی که روسیه کریمه را از اوکراین جدا کرد و در دو استان به تجزیه طلبان کمک کرد، نگاه‌ها به این کشور منفی شد. بخش‌هایی از مردم این کشور به روسیه به عنوان کشوری متجاوز نگاه کردند. بنابراین روسیه با جداکردن کریمه و حمایت از جدایی طلبان اوکراین تا حدود زیادی در این کشور حمایت مردمی از خود را از دست داد.

سیاست روسیه با اینکه واکنشی است و تمام کننده نیست، اما یک منطق درونی دارد که در سوریه نیز می‌توان این موضوع را مشاهده کرد. کریمه با اینکه شبه جزیره کوچکی است اما مرز دریایی بزرگی دارد. روسیه از راه پایگاه‌هایی که در دریای سیاه دارد به پایگاه خود در سوریه راه دارد. سوریه میزبان تنها پایگاه نظامی روسیه خارج از مرزهای بازمانده از شوروی است. بنابراین مساله‌ای که در گرجستان و اوکراین اتفاق افتاده بود به سوریه ربط دارد.

ایشان در تبیین این موضوع گفتند: روسیه باید بتواند با ترکیه تعامل کند. ترکیه به نفت و گاز روسیه نیاز دارد. روسیه نیز برای رسیدن به پایگاه خود در سوریه به تنگه بسفر و داردانل نیازمند است بنابراین با اینکه دو کشور در سوریه اختلاف دارند، باید به گونه‌ای با هم همکاری کنند. در مورد ایران نیز، با اینکه برخی در جمهوری آذربایجان ادعا می‌کنند که ایران از ارمنستان حمایت می‌کند، اما ایران در عمل بر یکپارچگی سرزمینی جمهوری آذربایجان تاکید کرد. گرجستان و ترکیه نیز همین را گفته بودند. اما روسیه به دنبال طرحی بود که آرامنه هفت شهر مسلمان نشین اطراف قره باغ را پس دهند. درباره مناطق ارمنی نشین بعدا تصمیم گرفته شود و جاده لاپچین به منطقه ارمنی نشین قره باغ حفظ شود. اکنون هفت شهر زیر نظر صلح بانان روسیه هستند و بخشی از مناطق ارمنی نشین قره باغ کوهستانی زیر حاکمیت جمهوری آذربایجان درآمده و علی

اف می‌تواند این مناطق را نگاه دارد. روس‌ها جاده لاجین را گرفتند و تمام راه‌های ارتباطی زنگه زور باز خواهد شد که ماشین‌های آذری زیر نظر روسیه از آنجا رد شوند. بنابر این هفت شهر جمهوری آذربایجان که زیر اشغال ارمنه بود، به اضافه قسمت جنوبی ارمنستان در مسیر راهرو نخجوان-زنگه زور-قره باغ که نزدیک مرز ایران است زیر نظر روس‌ها درآمد. روسیه بیشتر از پیش به سوی خاورمیانه آمده است، در این منطقه سرباز مستقر کرده و این تهدیدی بالقوه علیه ترکیه است.

ایشان گفتند: زمانی که ترکیه هواپیمای روسیه را زد، من در گرجستان بودم. گرجستانی‌ها نگران بودند که روس‌ها از مسیر گرجستان علیه ترکیه مقابله به مثل کنند و این خطر بالقوه ای برای این کشور بود. اما اکنون روس‌ها در زنگه‌زور و قره باغ نیروهای بیشتری دارند. ترکیه از نظر اقتصادی قوی است و مشی قومی و دینی و مذهبی را نیز برای گسترش نفوذ خود استفاده می‌کند اما پرسش اینجاست که آیا تحولات قره باغ به سود ترکیه بود یا خیر.

ترکیه از یک سو با ارمنستان دچار چالش و در پی فشار به ارمنستان بود تا دولت ارمنستان بپذیرد کشتار ارمنه را دیگر مطرح نکند. اما در هر صورت کشورهای بازمانده از اتحاد شوروی با روسیه پیوندهای ویژه‌ای دارند که با ترکیه این ارتباط ویژه وجود ندارد. ترکیه انتظار داشت که جنگ قره باغ طولانی تر شود، اما علی‌اف با همکاری با روسیه این جنگ را خواباندند. همچنین ترکیه قبول کرد که نیروهای ترک با عنوان صلح بان در منطقه مستقر شوند اما زیر فرماندهی و مدیریت نیروهای روسیه باشند. انتقاد من این است که ایران نیز می‌توانست از ظرفیتهای خود استفاده کرده و نیروهایی در این زمینه وارد کند اگرچه گفته می‌شود ایران خود اعلام کرده است که تمایلی به این موضوع ندارد. مقام‌های آذری، ارمنی و روسی گفتند که ایران تمایلی به این موضوع نداشته است.

نکته دیگر اینکه روسیه با این کار ارتباط ترکیه با ناتو را نیز دچار مساله کرد زیرا نیروهای اعضای ناتو نمی‌توانند زیر فرماندهی کشور دیگری باشند چه رسد به کشوری غیردوست. بنابر این در این بحران، روسیه خود را به عنوان نیروی برتر در پایان بحران جا انداخت و ترکیه نیز برتری روسیه را پذیرفته است.

در ادامه نشست دکتر حامد کاظم زاده به سخنرانی پرداخت. ایشان در آغاز صحبت‌های خود گفت: مساله قره باغ تنها یک مساله نظامی نیست بلکه به دلیل حضور بازیگران منطقه ای بسیار پیچیده تر است. ترکیه آشکارا به دنبال ایفای نقش خود در این منطقه است. رویکرد آنکارا در تمامی این مدت حمایت از باکو بود. در این بحران ترکیه نقش میانجی‌گر نداشت بلکه به شکلی مستقیم وارد بحران شد و برای مدیریت آن به نقش آفرینی پرداخت. اما چرا آنکارا به این صورت وارد بحران قره باغ شد؟ نظر من این است که ترکیه در مساله قره باغ سه دلیل اصلی داشت که سیاست عملگرایانه تهاجمی را در قالب ناظر، طراح، مشوق و محرک پیش برد. عامل نخست اینکه ترکیه به عنوان وارث امپراتوری عثمانی تنها متهم رویداد مورد ادعای نسل کشی ارمنه است. نگرانی اصلی ترکیه، پیامدهای به رسمیت شناختن این عنوان است. اما تشدید جنگ قره باغ، مساله نسل کشی را برای یک دوره طولانی تبدیل به اولویت دوم و فرعی ارمنه می‌کند و قره باغ را به اولویت نخست می‌آورد. دومین عامل این است که محور سیاست‌های ترکیه طرح گفتمان قومی و نژادی است و تحلیل‌گرانی که خودشان در سیاست خارجی ترکیه نقش آفرین هستند این مساله را طرح می‌کنند. ترک‌ها مفهوم یک ملت با دو دولت و پیوستگی خاکی را مورد نظر قرار داده اند. عامل سوم ساختن ستون‌هایی برای حضور دائمی در قفقاز جنوبی است که برای نخستین بار روی

می‌دهد و حتی عثمانی هم نتوانست به حاشیه خزر برسد. ترکیه توانسته از نظر سیاسی، نظامی و اقتصادی برای خود پایگاهی در این منطقه ایجاد کند. این سیاست در دوران حزب عدالت و توسعه خود را نمایان تر کرد و در دهه نود چندان فعالیتی در این منطقه نداشت. اما با روی کار آمدن آک پارتی سلسله رویدادها و برنامه‌هایی پیاده شد که آنکارا نقش فعالی در قفقاز جنوبی داشته باشد. از زمان رخداد کودتای ترکیه به بعد نیز ما سیاست و فرمول روسیه، ترکیه، جمهوری آذربایجان و ارمنستان را در چارچوب فرمول دو به علاوه دو از سوی این کشور شاهد هستیم.

در کنار این سه انگیزه برای حضور در جنگ قره باغ، بحث خود مسائل داخلی ترکیه نیز کم اثر نبود. در ترکیه که نسبت به ایران وضعیت اقتصادی بهتری دارد فشارهای اقتصادی چند سال اخیر قابل توجه است. بنابراین بازگشایی جبهه‌ای در قفقاز هم می‌توانست پشتیبانی عمومی و مردمی را از حزب حاکم بر این کشور زنده کند. همچنین ترکیه به نقطه‌ای در سیاست خارجی رسیده که می‌تواند همه مسائلش را با روسیه به عنوان قدرت اوراسیای مرکزی مدیریت کند. از نگاه ترک‌ها هرچقدر برخورد ترکیه با روسیه بیشتر باشد، بده بستان بیشتری با این کشور نیز می‌تواند به دست آید.

دکتر کاظم زاده با برشمردن دستاوردهای جنگ قره باغ برای ترکیه گفتند: اولین دستاوردی که جنگ قره باغ برای ترکیه داشت، دستاورد ژئوپلیتیکی است. اگر بر اساس بند نهم تفاهم نامه گذرگاه از جمهوری آذربایجان به قره باغ ایجاد شود، مسیر ژئوپلیتیکی بسیار مناسبی را با آسیای مرکزی می‌تواند ایجاد کند. اگرچه پیشتر ارتباطی از مسیر گرجستان برقرار بود اما این بار گذرگاهی در اختیار آنچه ترکیه «یک ملت و دو دولت» نامیده قرار می‌گیرد. به نظر من توافق قره باغ باعث تقویت جایگاه ترکیه در قره باغ شد. این سیاست ترکیه هم مایه هراس ارمنستان

شد و هم وجهه و جایگاه ترکیه را تقویت کرد. دستاورد دوم سیاسی است. نظریه وحدت ترکی و پروژه نوعثمانی گرایی که علامت خوبی را به کشورهای دارای جوامع ترک زبان دیگر داد. دستاورد سیاسی دیگر برای ترکیه، ایجاد ترس در کشورهایی بود که با ترکیه حاشیه دارند و نشان داد آنکارا زمانی که موقعیت ایجاد کند حتی می‌تواند دست به اقدام نظامی بزند. ترکیه سیاست تنش صفر را به طور کلی کنار گذاشت و به سوی تنش حداکثری می‌رود. این کشور با ارمنستان، عراق، قبرس، سوریه و یونان و مصر به سمت تنش حداکثری رفت.

دستاوردهای اقتصادی هم اینکه اگر صلح قره باغ با آن بندهای تفاهم نامه نهایی و اجرا شود و گذرگاه زمینی از نخجوان تا زنگه زور گشایش یابد می‌تواند کمک قابل توجهی را به عنوان پل اقتصادی برای ترکیه ایجاد کند. من تصور می‌کنم ترکیه بعد از سال ۲۰۱۶ بازی برد-باخت را آغاز کرده که تاکنون برده است. پیکربندی سیاست روسیه را نسبت به خود تغییر داده است و روسیه بعد از ۴۴ روز نتوانست آتش بس ایجاد کند و نرم افزارها و سخت افزارهای ترکیه در این منطقه افزایش پیدا کرده است. ابزارهای روسیه برای تاثیرگذاری بر حیات خلوتش کاهش پیدا کرده است. ترکیه به اولین شریک اقتصادی گرجستان تبدیل شده است. وجهه عمومی روسیه را در ارمنستان شکست داد. بخشی از اعتبار یافتن این سیاست را باید در سیاست‌های باکو و ایروان جستجو کرد. باکو با هوشمندی به دشمنی با مسکو نرفت و در قبال غرب محتاط ماند. این کشور هنوز شریک نظامی روسیه است در حالی که در ارمنستان نخبگان سیاسی به ویژه بعد از سال ۲۰۰۸ اشتباه‌های زیادی کردند و همچنین روابط خود را تنها به روسیه متکی کردند.

این شرایط باعث شد که ترکیه به این صورت وارد شده و تلاش کرد نظم منطقه‌ای مورد نظر خود را شکل دهد. متأسفانه ما جایگاه خود را در

این نظم نیافتیم. با این وجود روسیه نیز دست خالی نمانده و نیروهای حافظ صلح خود را در منطقه حفظ و مستقر کرد. ترکیه نیز با پیروزی باکو توانست حق زحمت خوبی را بگیرد. گمانه‌هایی درباره تاسیس پایگاه نظامی ترکیه در جمهوری آذربایجان وجود دارد. راهرو نخجوان دست نیروهای ترک خواهد بود. دوم اینکه نظم جدیدی که در این منطقه به وجود آمد گروه مینسک را به طور کامل به حاشیه برد و حتی آمریکا یا فرانسه نتوانستند کار خاصی را در مدت جنگ انجام دهند. بنابراین در توصیف این سیاست ترکیه شاید کمالیسم را با نوعثمانی گرای ادغام یافته بدانیم که تا حدودی نیز موفق عمل کرده است.

ایشان در ادامه شاخص‌های اقتصادی و نظامی بین کشورهای این منطقه و کشورهای پیرامونی را بررسی کرده و سپس به کرونولوژی کوتاه نسبت به ترکیه و روسیه پرداختند و از سرنگونی هواپیمای روسی تا رسیدن به درک متقابلی بین ترکیه و روسیه را با مرور رویدادها از ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۰ تبیین کردند و در جمع بندی صحبت‌های خود گفتند: ترکیه با روسیه نقاط اصطکاک زیادی ایجاد کرده است و اکنون به نقطه‌ای رسیده‌ایم که هفته گذشته نخست‌وزیر ارمنستان گفت ما آماده‌ایم روابط خود را با ترکیه عادی سازی کنیم. جمهوری آذربایجان نیز گفت آماده است که روابط خود را برپایه حقوق بین الملل با ارمنستان برقرار کند. اکنون نیز ترکیه در حال برگزاری رزمایش مشترک با جمهوری آذربایجان در قره باغ است.

در ادامه دکتر کولایی گفتند: مجموع این گفتگوها به خوبی انفعال و غیبت ما را در تحولات قفقاز نشان داده است. سه دهه است من درباره اولویت نداشتن این مناطق در سیاست خارجی ایران صحبت می‌کنم. ما در حوزه‌ای که منافع بسیاری برای ما می‌توانست و می‌تواند داشته باشد حضور قابل توجهی نداریم. سوال امروز این است که ما در کجای این

تحولات هستیم. ایشان در پایان از حضور و سخنرانی دکتر بابک رضوانی و دکتر حامد کاظم زاده تشکر کردند. سپس حاضران به طرح پرسش یا نقطه نظرهای خود پرداختند.

پرسش: چرا روس‌ها اجازه خودنمایی نظامی به ترکیه دادند و آیا ترکیه قابل مهار بود؟ آیا روس‌ها شرایط را تحمل می‌کنند؟

دکتر رضوانی: روس‌ها بسیار واقع‌گرا هستند. ترکیه کشوری قوی و عضو ناتو است و روس‌ها می‌توانند روابط ترکیه با ناتو را خراب کنند. روس‌ها در برابر امتیازهایی که در سوریه و لیبی از ترک‌ها می‌گیرند امتیازهایی به ترکیه در این منطقه می‌دهند.

پرسش: آیا واگرایی و همگرایی روسیه و ترکیه موید این مطلب نیست که دوستی و دشمنی در روابط خارجی دائمی نیست؟

دکتر کاظم زاده: صرف نظر از مساله دوستی و دشمنی، منافع مشترک مهم هستند.

دکتر رضوانی: روس‌ها یک تفاوتی بین حیات خلوت خود در کشورهای پیرامونی با کشورهای دیگر قائل می‌شوند و تحمل ورود دیگر کشورها به منطقه خارج نزدیک را ندارند. و این کشورها از حمایت روسیه استقبال می‌کنند. دوستی و دشمنی دائمی نیستند.

پرسش: آیا حضور تروریست‌ها در قره باغ که در برخی رسانه‌های داخلی ایران مطرح شد واقعیت داشته است؟

دکتر رضوانی: کسانی بودند که عربی صحبت می‌کردند. همچنین زمانی که شهر شوشا در قره باغ آزاد شده بود، در آنجا اذانی گفتند که به لهجه بومی آذری نبود.

دکتر کاظم زاده: بله شواهدی وجود دارند که حضور این نیروها را تأیید می‌کنند.

پرسش: ما می‌دانیم اقدام نظامی تاثیرگذار روسیه در سوریه با هدف مهار بنیادگرایی اسلامی و جلوگیری از بازگشت این نیروها به درون مرزهای روسیه بود. اکنون با توجه به تحولات افغانستان، دولت روسیه در قبال گروه‌های افراطی افغانستان چه تلقی دارد؟

دکتر رضوانی: روسیه در پایگاه نظامی خود در تاجیکستان سرباز به مرز فرستاد. روس‌ها خوشحال از سقوط دولت آمریکایی اشرف غنی هستند و حق خود را برای دخالت در افغانستان محفوظ می‌دارند.

دکتر کاظم زاده: در حال حاضر روس‌ها سرمست تحقیر امریکا در افغانستان هستند ولی همچنان نگران تندروی‌های اسلامی در آسیای مرکزی هم هستند و از پایگاه‌های نظامی خود برای واکنش در قبال رخدادهای احتمالی استفاده می‌کنند.

پایان

انجمن ایرانی مطالعات منطقه‌ای

آدرس: تهران، خیابان انقلاب، دانشکده

حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

تلفن: ۰۲۱۶۶۴۱۹۸۰۴

نمبر: ۰۲۱۶۶۹۵۳۹۹۶۰-۰۲۱۶۶۴۱۹۷۰۴

پست الکترونیک:

info@irsa.org.ir

تارنما:

irsa.org.ir

تهیه گزارش: عاطفه بکائیان

Iranian Regional Studies Association

Address: Faculty of Law and
Political Science, University of
Tehran, Enghelab Ave, Tehran,
Iran.

Website: irsa.org.ir

Email: info@irsa.org.ir

Tel No: +982166419704